

جعلیات صادق طباطبائی حرف هائی کہ فقط پای منقل شنونده دارد

صادق طباطبائی برادر همسر احمد خمینی است. در جمع کسانی که با پیروزی انقلاب و بازگشت آیت الله خمینی به ایران، اروپا را ترک کرده و راهی ایران شدند یکی هم ایشان بود. به اندازه صادق قطب زاده جاه طلب بود و هست اما به اندازه او جسارت ماجراجویی نداشت. در اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران شرکت کرد و پوستر اصلی تبلیغاتی اش درختی بود که به شاخه های آن وعده های ایشان آویران بود. آن ها که وی را راهی میدان کرده بودند روی شکل و شمایل و وابستگی او به خانواده آیت الله خمینی بیشتر حساب کرده بودند تا توان و دانش و وعده های بی ارتباطی او با جامعه آن روز ایران.

صادق طباطبائی پس از شرکت ناکام در آن انتخابات و با آغاز جنگ ایران و عراق وارد معاملات پرسود خرید سلاح شد. پرونده ای که سرانجام بعنوان فصل مهمی از تاریخ جمهوری اسلامی باز خواهد شد و نام، ثروت، حق دلالتی هائی که به حساب های بانکی خارج از کشور ریخته شد، ترور هائی که در همین ارتباط چه در داخل کشور و به بهانه جنگ و چه در خارج از کشور انجام شد و... مشخص خواهد شد.

در جریان یکی از سفرهای صادق طباطبائی برای دلالتی اسلحه، کیف حاوی مقدار زیادی تریاک وی در فرودگاه دوسلدورف آلمان، توسط پلیس این کشور کشف شد. شاید هم رقبای داخلی و خارجی این نوع دلالتی ها پلیس را با خبر کردند. به هر روی، ایشان در آلمان بازداشت و محاکمه شد. آن رسوائی، که با کمک پاسپورت دیپلماتیک صادق طباطبائی توانستند سر و ته آن را به هم آورده و طباطبائی را به تهران برگردانند، موجب طرد او از فعالیت های سیاسی و این نوع معاملات دلالتی شد. این دستور آیت الله خمینی بود. سال ها صادق طباطبائی بر این تعهد باقی ماند تا این چند ماه اخیر که ظاهراً شرایط را مناسب تشخیص داده و یک سلسله مصاحبه و خاطره گوئی (با تعابیر خودش) سعی می کند زمینه بازگشت دوباره به صحنه را برای خود فراهم سازد. این مصاحبه ها را بیش از همه سایت بازتاب پوشش خبری می دهد، که گردانندگان آن نیز خود به نوع دیگری درگیر ماجراهای خرید تسلیحات در دوران جنگ با عراق اند.

دو نکته ما را بر آن داشت این توضیحات را بصورت مستند بدهیم:

- 1- صادق طباطبائی به گونه ای خود را معرفی می کند که گوئی یکی از وابستگان نهضت آزادی ایران و یا از جمع ملی - مذهبی های ایران است، که ما بعید می دانیم این دو گروه فرد آلوده ای مانند صادق طباطبائی را از جمع خود بدانند.
- 2- او با این تصور که زمان گذشته، همه رهبران حزب توده ایران اعدام شده اند و کسی در صحنه نیست که به ادعاهای او پاسخ بگوید، برای خود دروغ و دغل را به هم می بافت و ناجوانمردانه ترین اتهامات را متوجه حزب توده ایران و رهبران اعدام شده آن می کند.
- 3- بیم است که این زمینه ای باشد برای گسترش دوباره ارتباط های بین المللی او، که تنها یک سر آن به شبکه جهانی قاچاق اسلحه و مواد مخدر است و قطعا سرهای دیگرش از آن نوع ارتباط هائی است که ما ترجیح می دهیم تا دوباره افتادن این طشت از بام چیزی نگوئیم و ننویسم.

صادق طباطبائی در مصاحبه هائی که معلوم نیست در کدام فضای دود آلودی با او کرده اند مدعی می شود که ماجرای کشف چمدان حاوی تریاک او در آلمان ساخته و پرداخته حزب توده ایران است و در اساس اصلا چنین چیزی وجود نداشته و این فقط یک توطئه بوده برای از میدان بدر کردن او. (شخصیتی که در آن سال ها محلی از اعراب نداشت که بودن و یا نبودنش در فضای سیاسی کشور مهم باشد. مگر اطلاعاتی که از بیت آیت الله خمینی داشت که آن را هم قطعا به حزب توده ایران نمی داد. شاید به جاهای دیگری می داد، که آن نیز سرانجام در تاریخ ثبت خواهد شد. بالاخره "این امکان که در سال 1360 به موجب اشاراتی که حتی در خاطرات هاشمی رفسنجانی شده تلفن های آیت الله خمینی برای مدتی از بیت او "شنود" می شده و یا این تحلیل گران استراتژیک امریکا که می توانسته اند در سال 60 آیت الله خمینی را در خانه خودش بکشند اما چون از جنگ داخلی و عدم توان خود برای کنترل اوضاع نگران بوده اند از این فرصت استفاده نکرده اند" امکانات و احتمالاتی است که باید در بیت آیت الله خمینی در جستجوی آن بود.

اما، ماجرا چمدان حاوی تریاک طباطبائی که بصورت یک پرونده دادگاهی در آرشیو پلیس آلمان ضبط است و ای کاش طباطبائی بجای مصاحبه داخلی، اقدامی دیپلماتیک برای اعاده حیثیت ادعائی خود از آلمان می کرد تا رسماً دولت آلمان پاسخ او را بدهد:

آنچه را می خوانید، اطلاعات مستقیم یکی از پزشکان قدیمی ایرانی در آلمان است که آن ماجرا را بدقت به خاطر داشته و دنبال کرده است:

«... طباطبائی در آن سال و آن ماجرا با هواپیمائی "سوئیس ایر" وارد اروپا و سوئیس شد و مطابق شرایطی که در آن دوران جنگی برای پرواز از ایران به اروپا وجود داشت، او برای رسیدن به آلمان چاره ای جز پرواز با سوئیس ایر و ورود اولیه به سوئیس نداشت. او از سوئیس وارد فرودگاه دوسلدورف در آلمان شد. همسر وی به استقبالش نرفته بود. او مستقیم برای تحویل گرفتن چمدانش مراجعه کرد و پلیس همانجا وی را به جرم وارد کردن تریاک به آلمان بازداشت کرد. بلافاصله دادگاه وی در آلمان تشکیل شد. او در دادگاه منکر وارد کردن آن همه تریاک به آلمان شد و اتفاقاً همان استدلالی را کرد که اکنون در مصاحبه اخیرش کرده است. یعنی به قضات دادگاه گفت که این یک توطئه است و توده ایها این اتهام را برای او ساخته اند. دادگاه آلمان که دادگاه جمهوری اسلامی نیست تا بدون مدرک کسی را دستگیر کند و زیر شکنجه برایش پرونده بسازد، پس از شنیدن کامل و دقیق ادعاهای صادق طباطبائی، خط و مدارک او را از لای پرونده بیرون کشید و رئیس دادگاه از طباطبائی پرسید: آیا باز هم انکار می کنید؟»

این مدارک جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی گذاشت که چمدان و مدارک و محتویات آن متعلق به شخص صادق طباطبائی است و او نیز که می دانست در صورت انکار، جرم دیگری را مرتکب می شود، که مجازات او را سنگین تر می کند، خطاب به رئیس دادگاه اتهام و جرم خویش را تائید کرد و پذیرفت که چمدان محتوی تریاک متعلق به اوست. در دادگاه های آلمان و دیگر کشورهای اروپائی، وقتی مستندات دادگاه (نه اعترافات زیر شکنجه) انکار شود به معنای متهم کردن رئیس دادگاه است و به همین دلیل رئیس دادگاه می تواند علیه متهم شکایت جدیدی را به دلیل "اتهام" زدن متهم به داگاه مطرح کند. به همین دلیل طباطبائی که مقداری به قوانین اروپائی (بدلیل زندگی در اروپا) آشنائی داشت فوراً متوجه شد که مشکل با انکار مستندات دادگاه حل نمی شود و بهتر است واقعیت را بپذیرد. البته طباطبائی در تهران می تواند هر اتهامی را به حزب توده ایران بزند، زیرا اتهام شیوه حکومتی است، اما این نوع بازی ها در اروپا ممکن نیست.

دادگاه با صدور رای 3 سال زندان برای طباطبائی؛ به جرم وارد کردن مواد مخدر به آلمان به کار خود پایان داد. از آنجا که حدس زده می شد سفارت جمهوری اسلامی و وزارت خارجه آلمان علیه این رای و محکومیت طباطبائی وارد صحنه شوند، تلویزیون آلمان با موافقت پلیس و قوه قضائی این کشور 4 بار در برنامه های شبانه خود و هنگام پخش خبر این دادگاه برگ برگ پاسپورت دیپلماتیک صادق طباطبائی را نشان داد. نکته عجیب در این پاسپورت مهر ورود و خروج به اسرائیل در آن بود، که ایکاش مصاحبه کننده (اگر واقعا مصاحبه کننده ای هم وجود داشته باشد و ادعاهای یکطرفه طباطبائی نباشد) از طباطبائی می پرسید این مهر اسرائیل در پاسپورت شما چه می کرد؟

صادق طباطبائی مطابق حکم دادگاه باید 3 سال زندانی می شد، اما "گنشر" وزیر خارجه وقت آلمان با استفاده از یک ماده قانونی مربوط به امور دیپلماتیک و در چارچوب مذاکراتی که با تهران داشت توانست از زندانی شدن طباطبائی جلوگیری کند و او را بسرعت از آلمان اخراج کرده و راهی ایران سازد.

امیدی به انتشار این توضیح در کنار اتهاماتی که طباطبائی در مصاحبه خود علیه حزب توده ایران مطرح می کند نیست، اما این امید که نهضت آزادی ایران و شورای ملی - مذهبی های ایران فاصله خود با وی را به اشکالی که خود می دانند اعلام کنند هست.

پیرامون ادعاهای دیگر طباطبائی - از جمله در باره اختلاف نیروهای مذهبی و...- تنها می توان گفت، یا وی در عالم دیگری سیر می کند و اصلا نمی داند در کشور چه می گذرد و خواه نا خواه از مرزبندی ها و رویدادهای آن اطلاع ندارد و یا اطلاع دارد اما وظیفه دیگری را برعهده اش گذاشته اند.